



دانشگاه بلوچستان  
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

# مقایسه موسیقی بیرونی و کناریِ غزل‌های هوشنگ ابته‌اج (سایه) و حسین منزوی

استاد راهنما:

دکتر محمد امیر مشهدی

استاد مشاور:

دکتر عبدالله واثق عباسی

تحقیق و نگارش:

محسن عین آبادی

خرداد ۹۱

## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان مقایسه‌ی موسیقی بیرونی و کناری غزل‌های هوشنگ ابتهاج (سایه) و حسین منزوی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو محسن عین-آبادی با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد امیر مشهدی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

### محسن عین‌آبادی

این پایان نامه ..... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ..... توسط هیئت داوران بررسی و درجه ..... به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

استاد راهنما:

استاد راهنما:

استاد مشاور:

داور ۱:

داور ۲:

نماینده تحصیلات تکمیلی:



## تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب محسن عین آبادی تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

محسن عین آبادی

امضاء

تقدیم به:

پدر و مادر مهربانم

و

انسانهایی که انسانیت را می فهمند.

با سپاس از:

آموزگارانِ گرامی و دوستانِ عزیزم.

راز دل بر سنگ و بر کاشی کنم	فرصتی خواهم که نقاشی کنم
زیر چتر عشق نقاشی کنم	فرصتی خواهم که مردی خسته را
از صمیم قلب خوشباشی کنم	فرصتی خواهم گل پژمرده را
مسئلت از کودکی ناشی کنم	وقت آن آمد که عشق پاک را
آشکارا عیش و عیاشی کنم	وقت آن آمد به اسم سرنوشت
فرصتی خواهم که فحاشی کنم.	سالگردِ ازدواج تیـره رنگ!!!

م.ع.

## چکیده:

شعر از عناصر سازنده‌ای برخوردار است که از مهمترین آن عناصر سازنده، موسیقی بیرونی و موسیقی کناری است. موسیقی بیرونی یا وزن، علاوه بر اینکه لذت موسیقایی را در خواننده ایجاد می‌کند، کلمات را به گونه‌ای خاص برجسته و نمایان می‌سازد و با منظم کردن میزان ضربه‌ها و جنبش‌ها یاری می‌رساند که خواننده شعر را سریعتر و آسانتر درک و حفظ کند تا پیام شعر و شاعر در روح و جان مخاطب تأثیر گذارد، اما این امر در صورتی به اوج خویش می‌رسد و نمایان می‌شود که محتوا و مضمون مورد نظر شاعر نیز با موسیقی برگزیده شده، هماهنگ باشد تا میزان تأثیرگذاری شعر افزون یابد. منظور از موسیقی کناری نیز تناسب‌هایی است که در بخش‌های مختلف ابیات یک شعر، به ویژه پایان مصراع، و پایان بیت ظاهر می‌شود و بارزترین نمونه‌های موسیقی کناری نیز قافیه و ردیف می‌باشد. وجود قافیه، به دلیل تأثیر موسیقایی و ایجاد وحدت شکل، همیشه از ضروریات شعر بوده و مکمل وزن محسوب می‌شود. وجود این عنصر، شعر را خوش‌آهنگ‌تر و خوش‌نوازتر می‌کند. علاوه بر این، قافیه فکر و احساس شاعر را سامان می‌دهد و از طریق کلمات هماهنگ و آهنگ کلمات، مفهوم را به خواننده و شنونده القا می‌کند. همچنین یادگیری شعر را آسان می‌سازد و در حقیقت، باعث التذاذ هر چه بیشتر مخاطب از شعر می‌گردد. ردیف نیز کامل کننده قافیه و به همراه آن مکمل شعر می‌باشد. بی‌گمان هوشنگ ابتهاج و حسین منزوی از شاعران توانا در زمینه‌ی غزل و شعر معاصر می‌باشند. این پژوهش به مقایسه‌ی موسیقی بیرونی و کناری غزل‌های این دو شاعر غزل‌سرا پرداخته است. تنوع وزن‌ها در غزل‌های منزوی بیش از ۲ برابر غزل‌های سایه می‌باشد، با این حال هر دو شاعر، بیشترین غزل‌های خویش را بر وزن‌های جویباری و نرم و سنگین سروده‌اند که از اندوه درونی شاعران حکایت دارد. هجای CVC (صامت + مصوت بلند + صامت) بیشترین هجای قافیه را در غزل‌های سایه و منزوی به خویش اختصاص داده است که نشان از قافیه‌های آهنگین غزل‌های هر دو شاعر می‌باشد. ردیف غزل‌های مردف دو شاعر نیز از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

**واژگانی کلیدی:** شعر معاصر، سایه (ابتهاج)، منزوی، وزن، محتوا، قافیه، ردیف.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: مقدمه

۱	..... کلیات
۲	..... زندگی و آثار هوشنگ ابتهاج
۴	..... حیات شعری سایه
۱۲	..... شعر چیست؟
۱۴	..... نخستین اشعار
۱۴	..... نخستین شعر فارسی
۱۴	..... شعر نو
۱۵	..... غزل
۱۷	..... تکوین غزل
۱۷	..... غزل معاصر
۱۹	..... پیوند شعر و موسیقی
۲۰	..... موسیقی شعر
۲۱	..... عروض
۲۲	..... وزن

### فصل دوم: مقایسه‌ی موسیقی بیرونی غزلهای سایه و منزوی

۲۴	..... موسیقی بیرونی غزلهای سایه و منزوی
۲۵	..... جدول شماره‌ی ۱ (بحرهای عروضی به کار رفته در غزلهای سایه و منزوی)
۲۶	..... جدول شماره‌ی ۲ (وزنهای غزلهای سایه و منزوی به ترتیب پُرکاربردترین بحرها)
۳۰	..... جدول شماره‌ی ۳ (وزنهای غزلهای سایه و منزوی به ترتیب بسامد غزلهای سایه)
۳۴	..... جدول شماره‌ی ۴ (وزنهای غزلهای سایه و منزوی به ترتیب بسامد غزلهای منزوی)
۳۹	..... بحر مجتث
۵۱	..... بحر رمل
۶۵	..... بحر مضارع
۷۵	..... بحر هزج
۸۷	..... بحر رجز
۹۶	..... بحر مقتضب
۹۸	..... بحر خفیف
۱۰۰	..... بحر متقارب
۱۰۲	..... بحر منسرح

۱۰۹	بحر متدارک.....
۱۰۶	بحر عریض.....
۱۰۷	بحر سریع.....
۱۰۸	غزلهای خاص.....
۱۰۸	وزنهای نوین و ابتکاری.....
۱۱۳	تسکین.....
۱۱۶	وزنهای کوتاه، بلند، متوسط.....
۱۲۰	وزنهای متناوب الارکان.....
۱۲۲	وزنهای خیزابی و جویباری.....

### فصل سوم: مقایسه‌ی موسیقی کناری غزلهای سایه و منزوی

#### قافیه

۱۲۷	موسیقی کناری شعر.....
۱۲۷	قافیه و پیشینه‌ی آن.....
۱۲۹	قافیه چیست؟.....
۱۲۹	قافیه از دیدگاه متقدمان و متأخران ادب فارسی.....
۱۳۱	نقش قافیه و تأثیر آن بر شعر.....
۱۳۱	اهمیت موسیقایی قافیه در دیوان سایه و منزوی.....
۱۳۲	همسانی چیست؟.....
۱۳۲	هجاهای قافیه در شعر سایه و منزوی.....
۱۳۶	ویژگی‌های قافیه در غزلهای سایه و منزوی.....
۱۴۹	قافیه‌های مردفه.....
۱۵۱	قافیه‌های مقیده.....
۱۵۲	قافیه‌های مؤسسه.....
۱۵۴	قافیه‌های موصوله.....
۱۵۵	قافیه‌های موصول به ردیف.....
۱۵۶	عیوب قافیه.....
۱۶۳	ردّ القافیه.....

#### ردیف

۱۶۶	ردیف از دیدگاه بزرگان ادب فارسی.....
۱۶۸	پیشینه و خاستگاه ردیف.....
۱۶۹	تحوّل ردیف.....
۱۷۰	نقش و تأثیر ردیف در موسیقی شعر.....
۱۷۰	انواع ردیف.....
۱۷۰	ردیف مضمّر و مظهر.....
۱۷۳	ردیف کناری و میانی.....
۱۷۳	ردیف دستوری و قاموسی.....
۱۷۵	ردیف غیر فارسی.....



۱۷۷	.....ردیف گسسته و پیوسته.....
۱۷۸	.....ردیف‌های دینامیک و استاتیک.....
۱۸۰	.....نگاهی دیگر به ردیف در غزل‌های سایه و منزوی.....
۱۸۰	.....ردیف‌های فعلی سایه و منزوی.....
۱۹۶	.....ردیف‌های غیر فعلی سایه و منزوی.....
۲۰۸	.....ردیف‌های جمله‌ای.....
<b>فصل چهارم: نتیجه‌گیری</b>	
۲۲۵	.....نتیجه.....
۲۳۰	.....نمودار بحرهای تشکیل دهنده‌ی غزل‌های سایه و منزوی.....
۲۳۰	.....نمودار اوزان بحرهای تشکیل دهنده‌ی غزل‌های سایه و منزوی (در صد تشکیل دهنده‌ی بحر)
۲۳۸	.....فهرست مطالب و مؤخذ.....



فصل اوّل:

كَلِّيات

## زندگی و آثار هوشنگ ابتهاج (۱.۵.سایه)

نام هوشنگ ابتهاج (۱.۵.سایه) را جامعه‌ی ادبی ایران سالهاست که به خاطر سپرده است. سایه در ششم اسفند ۱۳۰۶ خورشیدی در رشت به دنیا آمد. خانه‌ی آنها نزدیک سبزه میدان رشت بود و خاندانشان به حکم کارها و فعالیت‌های اداری و دیوانی، در سالهایی بس دور از تفرش به گیلان کوچ کرده بودند. پدر بزرگ مادری-اش «رفعت‌الممالک» بود و پدر بزرگ پدری‌اش «ابتهاج الملک تفرشی». ابتهاج الملک ذوق شعری داشت. (عابدی، ۱۳۷۷: ۵۱۸).

پدر سایه «آقاخان ابتهاج» و مادرش «فاطمه رفعت» بود. امیر هوشنگ تنها پسر «آقاخان» و «فاطمه رفعت» به شمار می‌رفت. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در مدارس رشت می‌گذراند. پدر سایه هم اهل موسیقی بود و تار می‌زد. اما تار پدر و ویولون پسر، هر کدام به نوعی از بین رفت. از دوازده-سیزده سالگی-اش، شعرهایی در دست است، که تعدادی از آنها در نخستین دفتر شعرش منتشر شد. مادر وی یک زن مذهبی بود که سعی می‌کرد نمازش ترک نشود و مقداری از تمایلات عرفانی- ایرانی اشعار سایه نیز از اینجا ناشی می-شود.

تا سال ۱۳۲۴ و سن هجده سالگی که اندک اندک از سالهای نوجوانی‌اش دور می‌شد، توفیق زیادی در درس و مدرسه نداشت. و به سختی خود را به پایان تحصیلات دبیرستانی رساند. اما شعرهایش که غالباً عاشقانه است، در رشت در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۳۲۰ برایش شهرتی ایجاد کرده بود. (همان: ۲۲-۱۹)

سایه به تهران آمد و در مدرسه‌ی تمدن نام‌نویسی کرد. و مدتی رئیس انجمن ادبی دبیرستان شد، پدر و مادرش با رفتن او به تهران موافق نبودند. در سال ۱۳۲۶ خورشیدی، مادرش را از دست داد. پدر سایه بعد از مرگ همسرش، با فاصله‌ی چند ماه (۱۳۲۷) تمام خانه و زندگی‌اش را در رشت فروخت و به تهران آمد. آشنایی و دوستی سایه با حمیدی شیرازی (۱۳۲۵)، فریدون توللی (۱۳۲۵)، سیدمحمد حسین شهریار (۱۳۲۷)، نادر نادرپور (۱۳۲۸)، و اندکی بعد با نیما یوشیج (۱۳۴۰) در او تأثیر گذاشت. البته شعرهای آنها را از پیش شناخته

بود، در همین سالهاست که با شاعران جوان کمابیش هم سن و سالش در تهران آشنا شد که غالباً به نوگرایی تمایل داشتند و بعدها هر یک نام و آوازه‌ای یافتند. در سال ۱۳۲۸ با نادر نادرپور و در سال ۱۳۳۰ با سیاوش کسرایی، احمد شاملو، منوچهر شیبانی، اسماعیل شاهرودی، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد و مهدی اخوان ثالث انس گرفت. (همان: ۱۷۹-۱۹)

شعرهای وی در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۲۰ و نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۳۳۰ در نشریه‌ها و مجلات و روزنامه‌هایی مانند سخن، کاویان، صدف، مصلحت، جهان نو، کبوتر صلح و فرهنگ نو منتشر شد و چون هم شعر نو می‌گفت و هم غزل می‌سرود، شهرتی دو جانبه برای او فراهم آورد. از حوالی سال ۱۳۲۰ به بعد، شعر سایه در محور توجه طرفداران پر شور تحولات اجتماعی قرار گرفت (اللهی، ۱۳۷۴: ۵۱۲). سایه که در نیمه‌ی دوم ۱۳۲۰ به شعر نو روی آورد، تا مدتی بیشتر به تجربه‌های فریدون توللی و سید محمد حسین شهریار توجه نشان داد. پس از مجموعه‌ی شعری «سراب» در سال ۱۳۳۰، نیما و شعر نیمایی را بیشتر شناخت و در کنار شاعرانی چون مهدی اخوان ثالث، سیاوش کسرایی، نصرت رحمانی، احمد شاملو و چند تن دیگر به حلقه‌ی شاعران نیمایی در آمد. (عابدی، ۱۳۷۷: ۳۳)

در میان نوشته‌های نیما، گاه اشاراتی به شعر سایه می‌شود (یوشیج، ۱۳۶۸: ۴۲۱). سایه هم تصویرهایی از نیمه‌ی دهه‌ی واپسین زندگی‌اش را به ما عرضه می‌کند. سایه در سال ۱۳۳۸ پس از درگذشت نیما همراه دوست دیرینش یعنی نادر نادرپور برای دیدن شهریار به تبریز رفت. سایه و شهریار به یکدیگر علاقه‌ی خاصی داشتند (همان: ۳۷).

در دیوان شهریار به جز «حافظ» که تقریباً ملازم همیشگی شهریار بوده و پس از نیما که بر دوره‌ای از زندگانی و شعر شهریار سایه افکنده، هیچ شاعر دیگری به اندازه‌ی سایه یاد نشده و نیز در اشعار سایه هیچ شاعر معاصر دیگری به اندازه‌ی شهریار یادآوری و تکریم نشده است (منزوی، بی‌تا: ۲۳۲)

زندگی خانوادگی سایه در رشت با مرگ مادرش در سال ۱۳۲۶ شکلی دیگر گرفت. پدرش را هم خیلی زود در سال ۱۳۳۲ از دست داد. از سال ۱۳۳۴ که دفتر زمین را منتشر کرد، تا ده سال بعد از سایه شعری انتشار نیافت.

البته شعرهای پراکنده‌اش گه‌گاه در مجلات منتشر می‌شد. مانند: روشنفکر، کتاب هفته و نظیر آنها. در سال ۱۳۳۴ سفری به چند شهر شوری سابق برایش پیش آمد. شهرهای چون ایروان، مسکو، لنینگراد، تاشکند،

سمرقند، بخارا و کی‌یف. شعر «من به باغ گل سرخ» حاصل این سفر بود. پیش از این سفر است که «چند برگ از یلدا» را در نسخه‌های اندکی به هزینه‌ی خودش چاپ کرد.

سایه در شورای شعر و موسیقی رادیو نیز مدتی مشغول به کار بود. دوره‌ای دیگر در زندگی سایه آغاز شد. این فصل را او در هم‌نفسی با حافظ گذراند و حدود یک دهه (۱۳۶۴-۱۳۷۶) جسم و روح و توش و توانش را در تهیه و تنظیم متن منقح و آراسته‌ای از دیوان لسان‌الغیب گذراند. در سال ۱۳۳۶ همراه دوستش «محمد رضا شفیعی کدکنی» شاعر و پژوهنده‌ی نامدار به دیدار سید محمد حسین شه‌ریار رفت. این واپسین دیدار سایه و شه‌ریار است. (عابدی، ۱۳۷۷: ۴۹-۴۷)

سایه دیگر، جوان نیست، برف پیری بر موی و روی او نشسته است (بهبهانی، ۱۳۷۴: ۴۶۰). به اروپا می‌رود. برای سایه در اروپا و آمریکا شب‌های شعر و مجالس شعرخوانی ترتیب داده می‌شود که در برخی از آنها شرکت می‌جوید.

دفترها و مجموعه‌ی شعرش هم در تهران انتشار می‌یابد. سیاه‌مشق ۳ در سال ۱۳۶۴ منتشر می‌شود و دفترهای شبگیر و یادگار خون سرو در همین سال تجدید چاپ می‌شود. در سال ۱۳۶۹ برگزیده‌ای از همه‌ی دفترهای شعر سایه به انتخاب شفیعی کدکنی منتشر می‌شود. پس از آن، چند بار نشر آن تجدید می‌شود. در سال ۱۳۷۱ نیز سیاه‌مشق ۴ منتشر می‌شود که اشعار جدیدتر شاعر را در بر می‌گیرد. (عابدی، ۱۳۷۷: ۶۷) کوشش و جست‌وجوی سایه در مورد حافظ سرانجام در سال ۱۳۷۳ انتشار می‌یابد و تا سال ۱۳۷۶، سه بار تجدید چاپ می‌شود.

سایه تصحیح حافظ خود را به همسرش «آلما» پیشکش کرده است. با نشر چهارم دیوان حافظ، سایه هفتاد سال زندگی را پشت سر نهاده است. او از نخستین نغمه‌ها تا کنون راه درازی را پیموده است. (همان: ۴۶۱)

### حیات شعری سایه:

هوشنگ ابتهاج در شمار شاعرانی است که نام او در شعر معاصر فارسی برای جوانان چند نسل آشناست. سایه از آغاز جوانی به شاعری روی آورد و کم و بیش در انواع قالب‌های شعر طبع آزمود و به تدریج مجموعه‌هایی به چاپ رساند. او به همراه چند تن از همسالان خود، از جمله شاعران پیرو نیما و از یاران و همدمان صمیم او شناخته می‌شود. اولین مجموعه‌ی شعر سایه به نام «نخستین نغمه‌ها» در نوزده سالگی شاعر، به سال ۱۳۲۵ در رشت به چاپ رسیده است. از آن پس نیز در طول سالیان دراز بیش از نیم قرن، همگام با رویدادهای سیاسی و اجتماعی و به دور از تأثیر جریان‌های گوناگون شعر، در دهه‌های اخیر و وفادار به اصول معیارهای

شعر نیمایی تا سالهای نزدیک به چاپ مجموعه‌های چند گانه و گزینه‌های پیوسته در عرصه‌ی شعر فارسی معاصر- غزل و آزاد- حضور او در اوج بوده است.

از نظر دور نماند که با دور شدن از سالهای پُر تب و تاب رونق دیدگاه‌های سیاسی خاص، عناصر اصلی شعرجای بیانی‌ها و نهادها را در شعر سایه تنگ می‌کند.

سایه در طول سالهای عمر خود- از آغاز جوانی تا پایان دوران میان‌سالی- پیوسته از همدمی و مصاحبتِ مغتنم و دلپذیر «شهریار» برخوردار بوده است و لحظه‌های زلال شاعرانه‌ی بسیاری را با او به سر برده و بعد از نیما او را «پدر- یار و اندوه‌گسار» خود خوانده است. حتی در پرتو این دوستی دیرین و عمیق، پیرانه سر از تهاجمِ مصائبِ روزگار رهید. در آخرین دیدار میان آن دو پیش از سفرِ سایه به اروپا (سال ۱۳۶۶) وداعی جانسوز بین آن دو شیفته و دلسوخته در گرفت که صدای شیون آنها را همسایگان هم شنیدند! با این همه پیوند عمیق عاطفی، مهرورزی و هم‌نفسی گرم که نتیجه‌اش سرایش غزل‌های هر یک با نام و یاد دیگری بوده است، نه تنها سایه در غزل رنگ و بویی از شهریار به عاریت نگرفته، بلکه خود راهی تازه پیش روی جوانان و شاعران پس از خود گشوده است. که از این رهگذر در شعر معاصر می‌توان او را پیشگام شناخت و غزل به سبک و شیوه‌ی او را غزل نو نامید. سایه اگر چه سنت‌های رایج در غزل کلاسیک را حرمت داشته و آنها را به کار گرفته است، مانند تناسبِ ذره و خورشید و آه و آبنه، تشبیه سر زلف به دام، جناسِ مهر و مَهر، تناسبِ خونِ نقش و لعل و ... خود به خلقِ تصویرهای خیالی تازه در عرصه‌ی غزل دست یازیده است مانند: آواز شب، عمرِ سبکِ سایه، نوشخندِ صبح، کوچه‌سارِ شب، نقشِ به خون نشسته، خونِ سرو، خاکِ شب، گل‌افشانِ اشک، کویرِ سوخته جان، خاکستر نشینِ سینه‌ی گلگونِ گردونِ ناز، چراغِ صاعقه، خانمِ خورشید، شبِ سیاهِ آینه، غمِ سبزی چمن، اندوهِ سبزه‌های پریشان، جانِ گلرنگ، آستانِ سحر، گریه‌ی تاریک، ....

از میان پیشینیان، شیفتگی سایه به حافظ از نخستین سروده‌هایش آشکار است. تأثیر حافظ بر شاعران پس از خود- که در دوره‌ی بازگشت ادبی به اوج خود رسید- در غزلسرایى تا روزگار ما نیز بیش و کم رونق داشته است. سایه این تأثیر را نه تنها در سرایش غزل به جان پذیرفته است، که گاه در شعر آزاد نیز تصویرهای ذهنی حافظ را با ظرافت و آمیخته با زبان و اندیشه‌های نو به وام گرفته است.

در مجموعه‌هایی که از سایه از چندین دهه پیش به این سو به دست چاپ سپرده شده است، افزوده بر شعر نیمایی، غزل‌های بسیار، چندین مثنوی به نسبت بلند، چند دو بیتی و رباعی هم وجود دارد. این گوناگونی قالب، بی‌تردید گزینش در خوری است برای بیانِ اندیشه و احساس مناسب و وابسته به شعر، او پیوسته در هر قالب،

رنگِ عاطفی و اجتماعی خود را حفظ کرده است. همدمی سایه با شعرِ حافظ از روزگارِ جوانی نه تنها بر شعرِ سایه، سایه گسترده است، بلکه فرجامِ خجسته‌ای را نیز برای او به همراه داشته است. حاصلِ آن انتشار «حافظ به سعی سایه» است که از چاپ‌های منقح و پیراسته‌ی دیوانِ حافظ به شمار رفته است و پس از چاپ نخستِ منقح «شعری بخوان که با آن رطلی گران توان زد» تاکنون مکرر به چاپ رسیده است.

مجموعه‌ای منتخب از هفت دفترِ شعرِ سایه (سراب، شبگیر، زمین، چند برگ از یلدا، یادگارِ خونِ سرو، سیاه‌مشق و راهی و آهی) با نامِ انتخابی «راهی و آهی» که بر گرفته از نامِ یکی از دفترها و همچنین نامِ یکی از شعرهای سایه خود متأثر از بیت بالاست، به همت انتشاراتِ سخن به سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است (جلیل-پور، بی تا: ۵۵-۵۴).<sup>۱</sup>

### زندگی و آثارِ حسین منزوی

«حسین منزوی فرزندِ محمدِ منزوی شاعرِ زنجان است» (شفق، ۱۳۷۷: ۸۳). او در اوّلِ مهرِ سال ۱۳۲۵ در شهرِ زنجان دیده به جهان گشود و به این خاطر که با شروعِ پاییز زاده شده بود، همیشه خود را همزادِ پاییز می‌نامید. منزوی در زادگاهِ خود نشو و نما یافت و تحصیلاتِ ابتدایی و متوسطه را نیز در همان شهر به انجام رساند.

مادرِ منزوی با وجودِ اینکه سوادِ چندانی نداشت، هنرِ عجیبی در قصه‌گویی داشت. داستانِ امیر ارسلان و قصه‌های عامیانه‌ی دیگرِ او از کودکی همدمِ منزوی بود. از آنجا که در جای جایِ اکثرِ این قصه‌های عامیانه و افسانه‌های محلی، تک بیت‌هایی نیز وجود داشته، روحِ کودکانه‌ی منزوی نیز با شعر و قصه مأنوس شد. بنابراین تأثیری که از مادرش پذیرفت، به مراتب از تأثیرگذاریِ پدرش عمیق‌تر و ریشه‌دارتر بود. درست است که پدرش محمدِ منزوی، خود شاعری بزرگ بود و بخصوص در شعرِ ترکی دستی داشت، اما حسین در سنِ دوازده سالگی برای اولین بار با شعرِ او آشنا شد. محمدِ منزوی علاوه بر اینکه در سرودنِ شعرِ کلاسیک شاعری قوی بود، در زمانی که شعرِ نو در ایران گناه محسوب می‌شد، او در یک شهرستانِ دور افتاده از طرفدارانِ سرسختِ شعرِ نو و نیمایی به شمار می‌رفت و شعرِ نو می‌سرود. (نقل از مضمون: نیرومند، ۱۳۷۴: ۱۴۰)

«حسین در سال ۱۳۳۲ وارد دبیرستانِ فردوسیِ زنجان، محلّ تدریسِ پدرش شد و چهار سال را در این مدرسه گذراند. سپس دو سال در دبیرستانِ صائبِ تبریزی، دو سال دبیرستانِ پهلوی (دکتر علی شریعتی

<sup>۱</sup> - در نوشتنِ زندگی‌نامه و حیاتِ شعریِ سایه، از پایان‌نامه‌ی «نقد و تحلیل غزل هوشنگِ ابتهاج، ۱۳۹۰، دانشگاه سیستان و بلوچستان» بهره گرفته شده است.



کنونی)، چهار سال دبیرستان صدر جهان (محمد منتظری کنونی) درس خواند. آنگاه در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. به گفته‌ی خودش این مسأله که مدارس ابتدایی او نام دو شاعر بزرگ را بر خود داشت، با سرنوشت شاعری او بی‌ارتباط نبود؛ زیرا سرانجام کارش را به کلاس‌های درس دانشکده ادبیات در تهران کشاند. (کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۸) منزوی به سرعت توانست که خود را در محافل ادبی تهران مطرح کند تا آنجا که مرحوم مهدی سهیلی که در سال ۱۳۴۵ برنامه‌ای را به نام «کاروان شعر و موسیقی» در رادیو اجرا می‌کرد، در یکی از برنامه‌هایش او را دعوت کرد، اتفاقاً در همان برنامه دکتر باستانی پاریزی که استاد حسین هم بود، از او تعریف و تمجید کرد. ناگفته نماند که رابطه‌ی صمیمیت و دوستی آنها تا آخر نیز پایدار بود. منزوی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی را همچنان ناتمام رها کرد و به رشته‌ی جامعه‌شناسی روی آورد و پس از مدتی به علت مشکلات روحی، تحصیلات خود را ناتمام گذاشت و به زادگاهش برگشت (نقل از مضمون: کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۰).

«اما بعدها؛ یعنی سال ۱۳۵۸ واحدهای باقی مانده‌ی رشته‌ی ادبیات فارسی را گذراند و لیسانس گرفت. در این ایام مهدی اخوان ثالث نیز یکی از استادان او بود» (کاخی، ۱۳۷۰: ۱۳۷).

حسین به علت شرایط خاص روحی خود، هرگز نتوانست شغل ثابتی پیدا کند. او مدتی مسئول صفحه‌ی شعر مجله‌ی رودکی شد و بعد از آن هفته‌ای دو روز در رادیو مجری برنامه‌ای به نام «یک شعر و یک شاعر» بود که هر بار به تحلیل شعری از شاعران بزرگ می‌پرداخت. بعد از آن مدتی برای مجله‌ی تماشا که وابسته به تلویزیون بود، مقاله می‌نوشت و گاهی نیز برای کسب درآمد به ترانه‌سرایی می‌پرداخت و در اوایل انقلاب به خاطر جو خاص به وجود آمده، مدتی بیکار ماند.

بعد از انقلاب، منزوی مدتی مسئولیت صفحه‌ی شعر مجله‌ی سروش را، که مرحوم پرویز خرسند سردبیر آن بود، به عهده داشت. پس از برکناری خرسند، او نیز از سمت خود کناره‌گیری کرد. بعد از آن یک دوره‌ی کوتاه در فرهنگسرای نیاوران مشغول به کار بود و مدتی هم در کتابخانه‌ی حسینیه‌ی ارشاد کار می‌کرد.

حسین منزوی در سال ۱۳۶۳ در تهران به صورت خصوصی تدریس می‌کرد و بعد از آن مدتی با مرحوم مهدی اخوان ثالث در انتشارات انقلاب اسلامی که موسوی گرمارودی رئیس آن بود، به عنوان ویراستار مشغول به کار شد، بعد از آن دیگر هیچ کار خاصی پیدا نکرد. (نقل از مضمون: کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۳)

«منزوی در سال ۱۳۵۴ و در ۲۹ سالگی ازدواج کرد و دو سال بعد در سال ۱۳۵۶ به استقبال تنها فرزندش، غزل شتافت. او در سال ۱۳۶۰ از همسرش جدا شد. بعد از متارکه‌ی همسرش هرگز به طور جدی به فکر

ازدواج نیفتاد مگر در سالهای پایانی عمر خود که آن هم به خاطر اتفاقاتی چون بیماری و فوت پدر بی نتیجه ماند.» (کازمی، ۱۳۸۸: ۲۸)

چنانکه از اشعار منزوی برمی آید، همیشه عاشق بود و عشق قوی ترین عنصری است که محرک و عامل اصلی سرودن اغلب اشعار اوست. هرگاه که خللی در جریان عاشقی اش پیدا شده، تأثیر مستقیمی نیز در شعرش گذاشته است.

منزوی در بیشتر قالبهای فارسی چون نیمایی، سپید، چارپاره، مثنوی، دوبیتی، غزل و... طبع آزمایی کرده است، اما شهرت شاعری او در سرودن غزل است. بی شک وی از بزرگترین و تأثیرگذارترین غزل سرایان معاصر است.

«حسین منزوی با تمام شکوه و عظمتش، چون یک ستاره‌ی دنباله‌دار، سرانجام روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ در سن ۵۸ سالگی بر اثر عارضه‌ی قلبی و بیماری ریوی، در بیمارستان شهید رجایی تهران، برای همیشه دست جهان را فشرده. برای همیشه دردها، اندوهها، رنجها و گرفتاری‌های بی حسابش را تنها گذاشت و در زاد و بومش، زنجان تشییع و به خاک سپرده شد.» (همان: ۴۴)

## آثار منزوی

### الف- آثار منظوم

#### ۱- حنجره‌ی زخمی تغزل

منزوی در سال ۱۳۵۰ «حنجره‌ی زخمی تغزل» را به چاپ رسانید. دفتر اول این کتاب شامل ۲۲ غزل، که مضامین بیشتر آنها اجتماعی است. دفتر دوم آن نیز حاوی شعرهای آزاد است و در پایان دفتر سوم، که در چاپ دوم این مجموعه بدان اضافه شده است، حاوی ۸ غزل، یک دوبیتی پیوسته، چند شعر آزاو و یک شعر بی‌وزن، چند رباعی و ترکیببند می‌باشد. انتشارات آفرینش در بهار ۱۳۸۰ به چاپ مجدد این مجموعه همّت گذاشت.

#### ۲- صفّر خان

«یک شعر بلند نیمایی است که در سال ۱۳۵۸ انتشارات چکیده آن را منتشر کرده بود و اینک توسط موسسه‌ی فرهنگی-هنری یکتا رصد زنجان چاپ شده است.» (همان: ۳۲)

#### ۳- با عشق در حوالی فاجعه

« این مجموعه غزل، در بر دارنده‌ی یک‌صد غزل از حسین منزوی، و از جمله قوی‌ترین و بهترین مجموعه‌های اوست. چاپ اول آن در سال ۱۳۷۱ توسط انتشارات پازنگ وارد بازار شد که در کمترین زمان نایاب شد. زمانی که تئوری مرگ غزل، به عنوان قالب شعری، مطرح بود، منزوی با خلق شعرهای ناب در این قالب، غزل را وارد عرصه‌ی نوینی ساخت و موجب این انگاره شد که غزل، قالبی است برای همه‌ی اعصار. این مجموعه، پس از مرگ منزوی در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات پازنگ، در دو هزار و دویست نسخه، تجدید چاپ شد.» (همان: ۳۴)

#### ۴- از شوکران و شکر

چاپ نخست این مجموعه در سال ۱۳۷۳ توسط انتشارات آفرینش وارد بازار شد که شامل یکصد و چهل و پنج غزل است. غزل‌های این مجموعه که در موضوعات انقلابی، اجتماعی و عاشقانه هستند، از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۶۷ سروده شده‌اند.

#### ۵- با سیاوش از آتش

«عنوان این مجموعه که برگرفته از داستان سیاوش است، برای شاعر بس عزیز است. این مجموعه در سال ۱۳۷۵ در انتشارات پازنگ منتشر شد. این کتاب سیصد و سی و چهار غزل از کتابهای حنجره‌ی زخمی تغزل، با عشق در حوالی فاجعه و از کهربا و کافور انتخاب شده است.» (همان: ۳۷)

#### ۶- از کهربا و کافور

این مجموعه شامل ۹۷ غزل است. شاعر این مجموعه را به کهربای سیمای پدر و کافور گیسوان مادرش پیشکش کرده که شامل دو بخش است و کتاب زمان آن را در سال ۱۳۷۷ با اندکی تصرف در تیراژ ۳۳۰۰ نسخه، به چاپ رسانده است.

#### ۷- از ترمه و تغزل

برگزیده‌ی غزلها و شعرهای نیمایی و سپید (چاپ اول ۱۳۷۶- روزبهان) در ۳۰۰۰ نسخه به دخترش غزل تقدیم شده است. این گزیده از روی مجموعه‌های حنجره‌ی زخمی تغزل، با عشق تاب می‌آورم، از شوکران و شکر، با عشق در حوالی فاجعه، همچنان از عشق، از کهربا و کافور و تیغ و ترمه، گزیده و فراهم آمده است.

#### ۸- به همین سادگی

مجموعه‌ی شعرهای سپید است از سال ۱۳۷۸-۱۳۴۸ که در بهار ۱۳۷۹ در انتشارات چی‌چی‌کا در بندر عباس (با همکاری محمد علی بهمنی) منتشر شده است. این مجموعه شامل پنجاه قطعه شعر سپید است.

## ۹- با عشق تاب می‌آوریم

مجموعه‌ی اشعارِ نیمایی است از سال ۱۳۷۸-۱۳۵۱ که در بهار ۱۳۷۹ در بندر عباس توسط انتشاراتِ چی-چی کا منتشر شده است. این مجموعه شامل ۲۴ قطعه شعرِ نیمایی است که خودِ شاعر برای هر قطعه عنوانِ خاصی تعیین کرده است.

## ۱۰- از خاموشی‌ها و فراموشی‌ها

شاعر این مجموعه را به زاد و بوم و مردمانش زنجان تقدیم کرده است. این مجموعه در سال ۱۳۸۰ توسط انتشاراتِ مهدیسِ زنجان در سه دفتر منتشر شد. دفترِ اول در بر دارنده‌ی ۸۶ غزل است که عمده‌ی این غزلها، در مجموعه‌های «این کاغذین جامه» و «همچنان از عشق»، به تکرار چاپ و منتشر شده است. دفترِ دوم آن شامل چند مثنوی و مثنوی‌وار است. دفترِ سوم این مجموعه نیز شامل دو بیت‌های شاعر است.

## ۱۱- همچنان از عشق

این مجموعه‌ی شعر در سال ۱۳۸۳ توسط انتشاراتِ آفرینش به چاپ رسید. این دفتر شامل سه بخشِ عمده می‌باشد که بخشِ نخست حاوی ۵۰ غزل است که بیشترِ آنها در دفترِ «این کاغذین جامه» به چاپ رسیده است. بخشِ دوم شامل شش مثنوی است. بخشِ سوم این مجموعه با عنوانِ دفترِ دیگر، شامل چارپاره‌ها و رباعی‌های منزوی است.

## ۱۲- این کاغذین جامه

این مجموعه شعر در بهار ۱۳۷۹ در سه هزار نسخه توسط انتشاراتِ نغمه به چاپ رسید. نزدیک به ۵ غزل از ۶۰ غزل این مجموعه نامکرر است و باقیِ آنها در هر دو مجموعه‌ی «از خاموشی‌ها و فراموشی‌ها» و «همچنان از عشق» تکرار شده است. دفترِ دوم این مجموعه شامل چند مثنوی و مثنوی‌وار است که در مجموعه‌های پیشین نیز آمده‌اند. دفترِ سوم نیز شامل چند رباعی است.

## ۱۳- تیغ و ترمه و تغزل

این مجموعه در سال ۱۳۸۵ توسط انتشاراتِ آفرینش منتشر شد که شامل چند غزل، چارپاره و رباعی است.

## ۱۴- فانوس‌های آفتابی